



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- تنمه: حکم قدمین- قائلین به جواز نظر

مصادف با: ۲۴ محرم ۱۴۴۲

سال سوم

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تنمه: حکم قدمین

بحث در حکم قدمین و الحاق آن به وجه و کفین بود. تنمه ای که از مسئله هجدهم باقی مانده و البته در متن مسئله هجدهم تحریر هم به آن اشاره ای نشده اما باید مورد رسیدگی قرار گیرد. موضوع بحث این است که آیا نظر به روی پا و کف پای زن بدون تلذذ و ریبه از ناحیه مرد نامحرم جایز است یا خیر؟ عرض شد مشهور قائل به منع شده و قدمین را قدمین را ملحق به وجه و کفین نمی دانند. اما برخی هرچند با صراحت جواز را نگفته اند، اما از برخی کلماتشان می توان جواز را استفاده کرد یا حداقل منع از آن استفاده نمی شود.

قائلین به جواز

اولا باید دید قائلین به جواز چه کسانی هستند و ثانيا ادله آن ها چیست تا بعد سراغ ادله منع نظر به قدمین برویم. همانطور که عرض شد، کسی به صراحت مسئله جواز نظر به قدمین را در عبارات مطرح نکرده اما اگر بخواهیم کسانی که تلویحی به این مطلب اشاره کردند یا به نوعی از کلماتشان می توان جواز را استفاده کرد و حداقل این است که آن ها را نمی توانیم به عنوان قائلین به منع محسوب کنیم و در آن دسته جای دهیم، بعضی افراد و بزرگان را می توان ذکر کرد.

۱. مرحوم کلینی روایتی را از مروک بن عبید نقل فرموده. این روایت را بعدا انشاء الله ذکر خواهیم کرد ولی نفس نقل این روایت که در آن قدمین هم مانند وجه و کفین استثنا شده و دأب مرحوم کلینی این بوده که روایاتی را نقل می کرده که مطابق با فتوای او باشند، حاکی از این است که چه بسا مرحوم کلینی قائل به جواز نظر به قدمین است.

۲. مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال بابی با این عنوان قرار داده: «للرجل أن یری من المرأة التي لیست له بمحرم خمسة اشیاء». این روایت را در آن باب ذکر کرده و نفس نقل این روایت در آن باب که باز دأب مرحوم شیخ صدوق هم این بوده که روایاتی که با فتوای او مطابقت داشته نقل می کرده، حاکی از این است که چه بسا بتوان او را در زمره این گروه قرار داد.

۳. صاحب وسائل هم همین روایت را در بابی با عنوان «ما یحلُّ النظرُ إلیه من المرأة بغير تلذذٍ و تعمّدٍ و ما لا یجب علیها ستره» ذکر کرده است. البته در مورد صاحب وسائل شاید نتوانیم این مطلب را استفاده کنیم که فتوای او هم لزوما همین است. مرحوم فیض کاشانی هم در وافی این روایت را در بابی با همین عنوان قرار داده و از قرار دادن این روایت در ذیل این عنوان بعید نیست که بتوانیم موافقت او را استفاده کنیم.

این در مورد صاحبان مجامع روایی که به نوعی از ذکر روایت در این ابواب عناوینی که برای این ابواب قرار داده اند را بتوان حداقل در زمره قائلین به جواز قرار دهیم و لو اینکه به صراحت نگفته اند.

اما برخی از فقها هم مسئله استثناء قدمین را در باب ستر صلاتی ذکر کرده و استدلالی کرده‌اند که از آن استدلال می‌توانیم استفاده کنیم که این‌ها در غیر صلاة هم قائل به استثناء بوده‌اند و از آنجا که بین جواز نظر و عدم وجوب ستر یک ملازمه عرفی وجود دارد، ما می‌توانیم نتیجه بگیریم قول به جواز نظر به قدمین را.

در باب صلات و اینکه آیا وجه و کفین لازم است که پوشیده شود یا نه، برخی از فقها به آیه «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ الا ما ظَهَرَ منها» تمسک کرده‌اند. در مورد این آیه در گذشته به تفصیل بحث شد که می‌فرماید زینت‌های خودشان را که منظور همان زینت‌های باطنی است و مواضع آن‌ها را آشکار نکنند مگر آن چیزهایی که از آن‌ها ظاهر است. این آقایان استدلال کردند به این آیه برای اینکه دست‌ها و صورت مصداق ما ظَهَرَ منها هستند و از آنجا که در این آیه ما ظَهَرَ منها استثناء شده، پس معلوم می‌شود نه سترشان واجب است و نه نظر به آن‌ها اشکالی دارد. ما قبلاً در مورد این آیه بحث کردیم.

اگر وجه و کفین به عنوان مصداق ما ظَهَرَ منها استثناء شده از نهی از ابداء و جواز ابداء در مورد آن‌ها از این آیه به دست می‌آید، پس قدمین هم که مصداق ما ظَهَرَ منها هستند، ملحق به وجه و کفین می‌شود. یعنی هر چه که ظاهر است ابدائش اشکالی ندارد.

این روح استدلال آقایانی است که به این آیه تمسک کردند برای استثناء وجه و کفین در ستر صلاتی و نیز در غیر ستر صلاتی. این‌ها بعضاً به قدمین هم در مسئله ستر صلاتی تصریح کرده‌اند. اگر این استدلال پذیرفته شود که وجه و کفین مصداق ما ظَهَرَ منها هستند و به همین دلیل در صلاة پوشاندنشان واجب نیست، قدمین هم مصداق ما ظَهَرَ منها هستند و پوشاندنشان در صلاة واجب نیست. در غیر صلاة هم به همین دلیل اینچنین است. این آقایان اگر چه متعرض مسئله قدمین در غیر نماز نشدند، اما این استدلال به طور تلویحی اثبات می‌کند که در غیر نماز هم ستر قدمین لازم نیست. عرض کردم مؤونه می‌خواهد که ما این‌ها را جزء قائلین به جواز قرار دهیم.

سوال:

استاد: خیر الان استدلال نمی‌کنیم و فقط اقوال را می‌گوییم.

سوال:

استاد: این آیه را قبلاً بحث کردیم که منظور از «لا یُبدینَ زینتَهُنَّ» چیست؟ آیا خود معنای زینت منظور است یا مواضع زینت؟ آیا این زینت، زینت ظاهری است یا باطنی؟ آنوقت در هر فرضی باید آن استثناء به نوعی توجیه شود. اما اجمالاً چند مورد از افرادی که اینطور اظهار نظر کردند را عرض می‌کنم.

۴. مرحوم علامه در تذکره بعد از آنکه می‌گوید کفان و وجه عند علمائنا أجمع، از عورت زن حساب نمی‌شوند و این‌ها از عورت استثنا شدند طبق این بیان که جمیع بدن المرأة عورت باشد. از ابن عباس در مورد آیه «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ الا ما ظَهَرَ منها» روایت را نقل می‌کند که گفته الوجه و الکفان. در ادامه مرحوم علامه می‌فرماید: «و اما القدمان فالظاهر عدم وجوب سترهما لأن القدمین یظهرُ منهما فی العادة فلم تکن عورة کالکفین». می‌گوید ظاهر این است که قدمین هم سترشان در نماز واجب نیست، چون قدمین هم عادةً ظاهر هستند و آیه «ما ظَهَرَ منها» را استثنا کرده است. یعنی اگر «الا ما ظَهَرَ منها» شامل وجه و کفین است، به همان ملاک شامل قدمین هم هست. درست است که این مسئله را مرحوم علامه در باب صلاة و ستر

صلاتی فرموده ولی دقت کنید که این استدلال اگر پذیرفته شود، دیگر فرقی بین صلاة و غیر صلاة نیست. اگر ما بواسطه اینکه «ما ظَهَرَ» استثنا شده و می‌گوییم سترش واجب نیست و می‌خواهیم در صلاة این را استثنا کنیم، به همین ملاک در غیر صلاة هم باید همین حرف را بزنیم.

اینجا ممکن است که شما اشکال کنید که این از لوازم سخن علامه است. چه بسا خود مرحوم علامه به این لازم توجه نداشته و یا اگر هم توجه کرده ممکن است یک توجیهی برای اینکه در قدمین قائل به حرمت شده باشد ذکر کند (چه اینکه این را عده‌ای گفته‌اند که اشاره خواهیم کرد. مثل اینکه لو لا الاجماع، این آیه چنین اقتضایی دارد ولی چه کنیم که بواسطه اجماع ناچاریم از این دست بر داریم. این توجیها را می‌شود کرد) مثل اینکه اما عرض بنده این است که به هر حال این عبارات از ناحیه این بزرگان چنین اقتضائی را دارد که ما این‌ها را در زمره قائلین به جواز قرار دهیم.

همچنین مرحوم علامه در کتاب منتهی عبارتی دارد: «لا یجبُ سترُ الوجه فی الصلاة لقوله تعالی: «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ اَلا ما ظَهَرَ منها»». این تقریباً نظیر عبارتی است که در تذکره فرموده است. استدلال به این آیه برای عدم وجوب ستر وجه و کفین در نماز. سپس می‌گوید: قال ابنُ عباس الوجه و الکفین. قال علمائنا الکفان بمنزلة الوجه. این عین همان عبات تذکره است. بعد مرحوم علامه می‌فرماید: «لنا قوله تعالی «الا ما ظَهَرَ منها» و هو یتناولُ الکفین». ما ظَهَرَ شامل کفین می‌شود چون دیگر آشکار بودن دستها قدر متیقن از این ما ظَهَرَ است. قال الشیخ: «لا یجبُ علیها سترُ الظاهر القدمین». شیخ طوسی می‌فرماید ستر ظاهر قدمین واجب نیست. «لنا أنهما یظهرا غالباً فأشبهه الکفین والوجه». سپس بیان مرحوم شیخ این است که ما به این دلیل ظاهر قدمین را می‌گوییم واجبُ الستر نیست، برای اینکه این‌ها غالباً ظاهر هستند و وقتی غالباً ظاهر هستند، پس مشمول استثنا در آیه «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ اَلا ما ظَهَرَ منها» قرار می‌گیرند. پس مثل وجه کفین هستند، یعنی همانطوری که وجه کفین به دلیل شمول استثنا از نهی از ابداء زینت خارج شدند، پس قدمین هم به همین دلیل خارج می‌شوند. از این عبارت به دست می‌آید که کآن وجه و کفین و قدمین اگر در جایی ذکر شده، همگی مثال برای «ما ظَهَرَ منها» است. پس اینجا هم به مقتضای استدلال به این آیه در لزوم ستر قدمین در باب صلاة می‌توانیم به گردن این‌ها بگذاریم که در غیر صلاة هم ستر قدمین لازم نیست. آنوقت از راه ملازمه عرفی بین عدم لزوم ستر و مسئله جواز نظر، جواز نظر به قدمین را هم ثابت کنیم.

سوال:

استاد: نه کلی است. آیه ناظر به مسئله نماز نیست، آیه اطلاق دارد و می‌گوید «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ اَلا ما ظَهَرَ منها». ما این آیه را سال گذشته مفصل بحث کردیم.

سوال:

استاد: خیر اختصاص به حال صلاة ندارد. آن آیه که اطلاق دارد، این غالباً هم شیخ طوسی می‌فرماید اعم از این است که در حال صلاة باشد یا در غیر حال صلاة. یعنی ناظری باشد یا نباشد. این اطلاق اقتضا می‌کند که همه را در بر بگیرد.

سوال:

استاد: این را هم قبلاً گفتیم که مسئله ستر مرأه به اعتبار نظر و دیدن دیگران است و الا اگر کسی نباشد ستر در غیر از صلاة واجب نیست.

سوال:

استاد: نه آن یک دلیل دیگر است که ما عرض می‌کنیم. الان نمی‌خواهیم وارد این دلیل بشویم و هنوز اقوال را ذکر می‌کنیم. نظیر همین بیان را مرحوم علامه در نهایت دارد و می‌فرماید: «اما الحرّة البالغة فجميعُ بدنِها عورة الا الوجه و الكفين و القدمين لقوله تعالى «و لا يُبدینَ زینتَهُنَّ الا ما ظَهَرَ منها» قال ابنُ عباس الوجهُ و الکفین». نقل ابن عباس را در ذیلش آورده. اینجا هم می‌گوید وجه و کفین و قدمین از عورت استثنا شدند از اینکه ابداء زینت در مورد این‌ها اشکالی ندارد چون مصداق «ما ظَهَرَ» منها هستند.

پس ملاحظه فرمودید در این سه موضع مرحوم علامه با استدلال به آیه «لا يُبدینَ زینتَهُنَّ»، ستر قدمین را در نماز لازم ندانسته و آن را ملحق کرده به وجه و کفین در عدم لزوم ستر. تأکیداً عرض می‌کنم که درست است که این مربوط به باب صلاة است، ولی این استدلال این قابلیت را دارد که ستر قدمین در غیر صلاة هم واجب نباشد چون این آیه مسلماً مختص به حال صلاة نیست. خب اگر مختص به حال صلاة نیست... گاهی می‌گوییم ما همین استدلال و همین کلام را بررسی می‌کنیم، یکبار هم می‌گوییم یک استدلال دیگر است، دلیل دیگر است و... اگر ما باشیم و این عبارت و این استدلال، می‌توانیم به گردن ایشان بگذاریم که ایشان حداقل قائل به منع نظر به قدمین نیست.

۵. محقق ثانی نظیر همین عبارت را در جامع المقاصد فرموده است: «کونُ بدنِ المرأة کله عورة علیه اجماعُ العلماء و خالف ابوبکر ابنُ عبد الرحمن فی استثناء الوجه و بعضُ الفقهاء من العامّة فی استثناء الکفین». بعضی از علمای عامه در استثنای کفین عورت بودن بدن زن مخالفت کردند «و لا یلتفت إليها و قد فسّر قوله تعالى: «و لا يُبدینَ زینتَهُنَّ الا ما ظَهَرَ منها» و المشهور بین الاصحاب استثناء القدمین ایضاً لبدوهما غالباً». می‌گوشد مشهور است بین اصحاب که قدمین هم استثنا شده‌اند. این استثنا از چیست؟ استثنا از ستر صلاتی است که در نماز لازم نیست پاها پوشانده شود مثل وجه و کفین.

سوال:

استاد: بله. لبدوهما باید باشد یعنی آشکار بودنشان. آشکار بودن و ظاهر بودن غالبی، یعنی پاها غالباً آشکار است و آیه اشاره به آشکار بودن غالبی پا می‌کنند. در واقع جزء مستثنی است. الا ما ظَهَرَ منها. محقق ثانی در ادامه می‌گوید که مرحوم علامه باطن قدمین را از عورت زن محسوب کرده است. یعنی می‌گوید ستر باطن لازم است اما ستر ظاهر پا لازم نیست. و الأصحُّ خلافه. در حالی که باطن هم مثل ظاهر از عورت زن محسوب نمی‌شود. یعنی باطن هم مثل ظاهر سترش واجب نیست.

سوال:

استاد: خیر. در موقع راه رفتن اینطور است. اما کسی که می‌نشیند پوشیده نیست. مگر مردم همیشه در حال راه رفتن هستند؟ همیشه که کف پایشان در زمین نیست. الان اگر به مسجدها بروید، می‌نشینند یا دراز میکشند و... پس اینطور نیست که جزء باطن باشد.

سوال:

استاد: این آیه را قبلاً مفصل بحث کردیم. اینکه می‌گوید «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» پوشش متعارف در مورد مردها و زنها اینطور است که بدن را می‌پوشاند. به دروس سال گذشته مراجعه کنید و ببینید که اساساً ما چه معنایی از این آیه را ارائه دادیم. اما بدن تردید «ما ظَهَرَ مِنْهَا» شامل قدمین هم می‌شود. همین الان مخصوصاً عرب‌ها چه مرد و چه زن جوراب نمی‌پوشند و لباس‌های بلندی هم که می‌پوشند باز پاها معلوم است و این متعارف است.

۶. مرحوم محقق اردبیلی در مجمع الفائده هم تقریباً همین را فرموده و می‌گوید: «و لا فرقَ بينَ القدمين و اليدين و الوجه فيهما في محلِّ الزينة و انهما مما ظَهَرَ». در این جهت مانند هم هستند که هم محل زینتند و هم در اینکه این‌ها ظاهر و آشکاراند. فیکونا أيضاً داخلين في الاستئنا؛ قدمين هم داخل در استئنا هستند.

این‌ها نمونه‌هایی بود از کسانی که برای استئنا قدمین از وجوب ستر صلاتی به آیه «و لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» استدلال کرده‌اند. استدلال به این آیه با این تقریبی که ذکر شد، تلویحاً این مطلب را می‌رساند از آنجا که این آیه مختص به حال نماز نیست، پس ستر قدمین در غیر نماز هم لازم نیست.

بنده نمی‌خواهم بگویم که لزوماً اینچنین است. چه بسا کسی به این آیه استدلال کرده باشد اما خودش جزء مانعین باشد و معتقد باشد که نظر به قدمین جایز نیست. ولی مقتضای استدلال به این آیه و لازمه استدلال به این آیه که خیلی‌ها این کار را کردند، برای عدم لزوم ستر قدمین در نماز این است که بگوییم این‌ها باید قائل به عدم لزوم ستر قدمین در غیر نماز هم باشند و جواز نظر هم قهراً می‌تواند از راه ملازمه عرفی استفاده شود.

پس اگر از ما سوال کنند که آیا کسی قائل به جواز نظر به قدمین هست یا نه، ما می‌گوییم مشهور قائل به منع هستند و می‌گویند نظر به قدمین جایز نیست. اما در مقابل مشهور اگر از ما سوال کنند که آیا اصلاً قائل به جواز داریم یا نداریم، ملاحظه فرمودید (نه اینکه قاطعانه بگوییم)، بنابراینکه این روایات را در یک ابوابی قرار دادند که می‌توانیم آن‌ها را جزء قائلین به جواز قرار دهیم مانند مرحوم کلینی، شیخ صدوق، فیض کاشانی، مرحوم علامه، محقق ثانی، شیخ طوسی به نوعی و محقق اردبیلی که می‌توانند در زمره این گروه قرار بگیرند.

این مطالب صرفاً بیان قول به جواز بود. اما صرف نظر از اینکه چه کسی قائل است و چه کسی نیست و اینکه این‌هایی که برشمرديم آیا می‌توانند جزء قائلین قرار بگیرند یا نه؟ چه بسا آقایان نسبت به این مسئله اشکال داشته باشند و جای اشکال هم هست؛ بنده هم عرض کردم که قاطعانه نمی‌خواهم بگویم که این‌ها همگی جزء قائلین به جواز نظر به قدمین هستند، اما حداقل این است که می‌توانیم این مطلب را برگردن بعضی از این‌ها بگذاریم و اگر هم بخواهند انکار کنند، بالاخره این لازمه این استدلال است مگر اینکه یک پاسخی برای این استدلالشان داشته باشند. لازمه این استدلال این است که حداقل در غیر صلاة هم ستر قدمین را واجب ندانند و آنوقت در بیان دلیل عرض می‌کنیم که با یک تقریری می‌شود مسئله جواز نظر را اثبات کرد.

اما اینکه دلیل این‌ها چیست یک سری روایات است که در باب صلاة وارد شده است.

دوم روایتی است از مروک ابن عبید که به طور خاص و به صراحت در آن قدمین ذکر شده.

دلیل سوم سیره قطعیه است. ادعا کرده‌اند که سیره قطعیه مسلمین و زنان مسلمان از اول بر این بوده که روی پاها را نمی‌پوشاندند.

امروز قرار بود ادله جواز را ذکر کنیم ولی صلاح بود قائلینش را اول بشناسیم و بعد به سراغ ادله برویم.

سوال:

استاد: در بین معاصرین نوعا احتیاط کردند، اما از نظر استدلالی می‌گویند که قول به جواز بعید نیست. یعنی استدلال این اقتضا را دارد. اما اینکه در مقام فتوا چه کردند، آن یک بحثی دیگر است.

«والحمد لله رب العالمین»